



دکتر علی جهانخانی

# کاربرد مدیریت مالی در بانکها

## مقدمه:

● از زمانی که تدریس رشته «مدیریت مالی» در دانشگاههای ایران آغاز شده است، بررسی الگوهای مدیریت مالی در گروهی از مؤسسات اقتصادی که در زمینه بازرگانی و تولید فعالیت دارند، بیشتر از سایر زمینه های کاربرد این مقوله مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که کاربرد روشهای مدیریت مالی در بانکها، با توجه به فعالیت خاص این مؤسسات و همچنین گسترده بودن فعالیت آنها و تأثیری که تصمیمگیریهای مالی بر فعالیت هر بانک و بر اقتصاد کشور دارد، توجه جدی به بررسی کاربرد روشهای یاد شده در بانکها را ضروری می نماید. هدف این مقاله تشریح کاربرد روشهای مدیریت مالی در تنظیم امور مالی بانکهاست. ●

رتال جامع علوم انسانی

بانکها با فعالیت در این دو بازار باید بتوانند بازده مناسبی برای سرمایه های سهامداران خود به دست آورند.

قسمت اعظم منابع مالی بانکها را سپرده های جاری، پس اندازهای کوتاه مدت و بلندمدت مردم تشکیل می دهد که میزان آنها به نرخ سود یا بهره پرداختنی به پس اندازها و سپرده های مردم، کیفیت خدماتی که بانکها به مشتریان خود ارائه می دهند و نیز فعالیت بانکها در زمینه بازاریابی برای جلب سپرده ها بستگی دارد. بنابراین، بانکها با توجه به عوام سه گانه یاد شده می توانند روشهایی را برای

به طور کلی بانکها در دو بازار متفاوت فعالیت می کنند؛ یکی بازاری که اشخاص حقیقی و حقوقی وجوه اضافی خود را در آن عرضه می کنند (سپرده گذاران و پس اندازکنندگان) و بازار دیگری که نیازمندان به منابع مالی بیشتر، برای تأمین کمبودهای مالی خود به آن مراجعه می کنند (وامگیرندگان).

دستیابی به حجم مطلوب و مورد انتظار سپرده و سایر منابع مالی، با هزینه مناسب در پیش گیرند. دستیابی به این هدفها مستلزم به کار گرفتن اسلوبهای اصولی مدیریت مالی است. تصمیمگیریهایی مانند اینکه به هر مشتری چه میزان تسهیلات و با چه نرخ می توان اعطا کرد در چهارچوب الگوهای کاربرد مدیریت مالی انجام پذیر است. به عنوان مثال، هر بانک می تواند علاقه مند است منابع مالی خود را در اختیار متقاضیانی بگذارد که دارای اعتبار درخور توجهی باشند و از عهده بازپرداخت بموقع اقساط وامهای خود برآیند. اما چون کلیه متقاضیان وام از اعتبار



پژوهشگاه علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

کمتری بپردازند. به این ترتیب بانکها ناگزیرند ضمن توجه به انگیزه گروه اول برای سپرده گذاری، و با در نظر داشتن انتظار گروه دوم، فعالیتهای خود را با کارایی مطلوب به انجام رسانند و هدفهای صاحبان سهام بانک را برآورده سازند.

صاحبان سهام به طور کلی انتظار دارند بر ثروتشان که به صورت سرمایه در اختیار بانک قرار گرفته است، افزوده شود. بنابراین هدف نهایی هر بانک، همچون سایر مؤسسات اقتصادی، به حداکثر رساندن یا بیشینه کردن ثروت سهامداران با توجه به ورق بزنید

برای سهامداران بانک فراهم آورد. در عین حال بانکها باید در هر زمان ترکیب مناسبی از داراییها و بدهیهای خود داشته باشند، به نحوی که بتوانند در همان زمان خدمات قابل قبولی را به سپرده گذاران و وامگیرندگان بانک ارائه کنند. به عبارت دیگر بانکها در هر زمان باید بتوانند نیازهای متضاد سپرده گذاران و وامگیرندگان را برآورده سازند و خود نیز در وضع متعادلی قرار گیرند؛ چرا که سپرده گذاران انتظار دارند بابت سپرده های خود سود بالایی دریافت کنند و به عکس، متقاضیان تسهیلات بانکی سعی دارند تا حداکثر سود یا بهره

یکسانی برخوردار نیستند، بانکها در زمان تصمیمگیری برای اعطاء تسهیلات مالی، ناگزیر از پذیرفتن احتمال ضرر و زیان به نسبتهای متفاوت هستند. بنابراین بانک باید با در نظر گرفتن نرخهای رقابت پذیر سود و بهره در بازار سرمایه، و ضمن در نظر داشتن ضرر و زیانهای احتمالی یاد شده، چنانکه گفته شد به بازده مناسبی نیز برای منابع به کار گرفته شده دست پیدا کنند. بنابراین تفاوت بین نرخ سود دریافتی از وامگیرندگان و نرخ سود پرداختی به سپرده گذاران و هزینه های مربوط به تأمین مالی بانک، باید به آن اندازه باشد که بازده مناسبی را

## کاربرد مدیریت مالی در بانکها

O : هزینه‌های عملیاتی بانک شامل حقوق و دستمزد، استهلاک ساختمان و...

T : مالیات

چون معمولاً هزینه استهلاک و سایر هزینه‌های غیر نقدی درصد کمی از هزینه‌های بانکها را تشکیل می‌دهد بنابراین سود خالص بانک تقریباً با خالص جریان نقدی بانک (B) برابر است.

در مورد نرخ بازده مورد انتظار سهامداران که با عنوان نرخ تنزیل در رابطه (۱) نشان داده شده است باید تأکید کرد که نرخ یاد شده با نرخ بهره بدون ریسک به اضافه صرف ریسک که متناسب با ریسک سرمایه گذاری در سهام بانک می‌باشد برابر است، یعنی؛

$$r = i + \pi$$

که  $\pi$  عبارت است از صرف ریسک و نرخ بهره بدون ریسک (ارزش زمانی پول).

میزان ریسک سهامداران و همچنین میزان صرف ریسک تابعی است از میزان ریسک نهفته در سرمایه گذاریها، وامها و تسهیلات اعطایی بانک (عدم اطمینان بانک نسبت به دریافت بموقع اقساط وام و تسهیلات اعطایی مالی) و ساختار مالی بانک (هرچه درصد سپرده‌ها و سایر بدهیهای بانک نسبت به کل منابع بیشتر باشد ریسک سهامداران بیشتر است). با جایگزین کردن رابطه‌های (۲) و (۳) در رابطه (۱) خواهیم داشت

$$W = \frac{R_1 - (C_1 + O_1 + T_1)}{(1 + i + \pi)_1} + \frac{R_2 - (C_2 + O_2 + T_2)}{(1 + i + \pi)_2} + \dots + \frac{RN - (CN + ON + TN)}{(1 + i + \pi)^n}$$

در این معادله، تأثیر متقابل متغیرها را می‌توانیم مشاهده کنیم. R نشان‌دهنده جریان نقدی حاصل از به کارگیری داراییهای بانک است (سود حاصل از (۱) تسهیلات مالی اعطایی (۲) سرمایه گذاری در اوراق بهادار و (۳) مشارکت در شرکتهای دیگر) و C نشان‌دهنده هزینه‌های مالی بانک (شامل سود یا بهره پرداختی به سپرده گذاران و سایر بستانکاران) و شامل هزینه‌های متغیر و ثابت عملیات است که تا

محدودبتهای محیطی است. اما هدف پیشینه کردن ثروت سهامداران که از راه پیشینه کردن منافع ناشی از فعالیتها و عملیات جاری بانک امکانپذیر است، هدفی است که باید به طور معمول در بلندمدت انتظار دستیابی به آن را داشت. اگر چه سهامداران بانکها اولین گروهی هستند که منابع مالی اولیه بانک را فراهم می‌آورند، اما در ضمن آخرین گروهی هم هستند که سهم سود خود را از بانک دریافت می‌کنند. به بیان دیگر بانکها ابتدا باید سود سپرده سپرده گذاران و احتمالاً مطالبات سایر بستانکاران را پردازند و چنانچه مقداری به عنوان سود بانک باقی ماند آن را به سهامداران تخصیص دهند یا پرداخت کنند.

پیشینه کردن ثروت سهامداران از طریق پیشینه کردن ارزش فعلی منافع آینده سهامداران امکانپذیر است که با رابطه زیر بیان می‌شود:

$$W = \frac{B_1}{(1+r)^1} + \frac{B_2}{(1+r)^2} + \dots + \frac{B_n}{(1+r)^n} \quad (1)$$

که در آن:

W : ثروت سهامداران (ارزش سهام شرکت)

B : خالص جریان نقدی که سهامداران در

زمان t دریافت می‌کنند.

r : نرخ تنزیل متناسب با ریسک عایدات آینده.

منافع سهامداران (B) نیز از رابطه زیر به دست

می‌آید.

$$B = R - (c + o + T) \quad (2)$$

که در آن:

R : درآمد حاصل از وام و سرمایه گذاری بانک

C : هزینه‌های مالی بانک که بخش عمده آن

را بهره یا سود پرداختی به سپرده گذاران و بستانکاران

تشکیل می‌دهد.

حدودی تابع طبیعت داراییها و بدهیهای بانک می‌باشد. مالیات بانک T تابعی است از سود بانک و نرخ مالیات. نرخ بهره بدون ریسک را بانک مرکزی و یا مکانیسم عرضه و تقاضا در بازار پولی تعیین می‌کند و همبستگی زیادی با R و C دارد. بنابر آنچه گفته شد هر نوع تصمیمی که مدیران بانکها می‌گیرند باید با توجه به تأثیر آن بر هر یک از متغیرهای فوق در زمان حاضر و سالهای آینده باشد و تصمیم صحیح آن است که منجر به افزایش ثروت سهامداران W گردد.

به عنوان مثال اگر مدیریت بانک تصمیم بگیرد که ۱۳٪ به سپرده‌های بانکی سود پرداخت کند و آن را با سود ۱۸٪ به مشتریان خود وام دهد، باید اثر این تصمیم را در O و T و π بررسی کند. چه بسا با وجود ۵٪ تفاوت در نرخهای فوق به لحاظ افزایشی که در O و T و π ایجاد می‌شود، ارزش سهام و ثروت سهامداران بانک کاهش یابد

برای نشان دادن کاربرد این مدل مالی در بانکها، از مثال عددی زیر کمک می‌گیریم و برای سادگی مطلب فرض می‌کنیم که حجم داراییهای بانک و نرخ بازده داراییها و هزینه‌های عملیاتی بانک ثابت باشد. در این صورت رابطه شماره (۱) به صورت

$$W = \frac{B}{r}$$

و رابطه شماره (۴) به شکل رابطه زیر خلاصه می‌شود:

$$W = \frac{R - (C + O + T)}{1 + i + \pi}$$

به عبارت دیگر ارزش بانک برابر خواهد بود با خالص جریان نقدی سهامداران تقسیم بر نرخ بازده مورد انتظار آنها. اگر فرض کنیم کل دارایی بانک فرضی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد که ۹۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰ ریال آن به شکل سپرده بانکی و ۱۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰ ریال به شکل سرمایه سهامداران باشد. مدیریت بانک باید دو نوع تصمیم بگیرد:

۱- داراییهای بانک را به چه نسبت بین سرمایه گذاریهای کم ریسک و با بازده کم (A<sub>۱</sub>) و سرمایه گذاریهای با ریسک زیاد و بازده بالا (A<sub>۲</sub>)

تقسیم کند.

۲- سپرده‌های بانکی را به چه شکل به دست آورد: چه میزان از آن به صورت سپرده‌های کم هزینه با ریسک زیاد ( $L_1$ ) و چه مقدار به شکل سپرده‌های پرهزینه ولی کم ریسک ( $L_2$ ) (مانند سپرده‌های کوتاه مدت با بهره کم و یا سپرده‌های ۵ ساله با بهره بالا).  
برای سهولت مطلب فرض می‌کنیم اطلاعات زیر در دسترس مدیران بانک باشد:

کل دارایی = ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال  
کل بدهی = ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال  
سرمایه = ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال

نرخ بازده سرمایه‌گذاری کم ریسک  $A_1 = 18\%$   
نرخ بازده سرمایه‌گذاری پرریسک  $A_2 = 30\%$   
نرخ بهره سپرده کوتاه مدت  $V = 7\%$   
نرخ بهره سپرده بلندمدت  $T = 13\%$   
هزینه‌های عملیاتی = ۵۰۰,۰۰۰ ریال  
نرخ مالیات  $30\%$   
نرخ بهره بدون ریسک  $18\%$   
صرف ریسک کم  $4\%$   
صرف ریسک متوسط  $6\%$   
صرف ریسک متوسط  $10\%$

آثار مالی هر یک از تصمیمهای یاد شده در بالا در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. در حالت اول کل داراییها در سرمایه‌گذاری کم ریسک با نرخ بازده ۱۸٪ به کار رفته و بدهی بانک کلاً از سپرده‌های کوتاه مدت با نرخ ۷٪ تشکیل شده است. در این حالت جریان نقدی خالص سالانه B برابر با ۵۳۶,۰۰۰ ریال و ثروت سهامداران معادل ۲,۲۳۳,۳۳۳ ریال خواهد بود. در حالت دوم بانک ریسک بیشتری را پذیرفته و داراییها را به طور مساوی بین  $A_1$  و  $A_2$  تقسیم کرده است و کلاً از سپرده‌های کوتاه مدت ( $L_2$ ) استفاده می‌کند. در این حالت (B) برابر با ۱,۰۱۶,۰۰۰ ریال و W برابر با ۲,۶۲۸,۵۷۱ ریال خواهد بود و افزایش سودآوری به مراتب بیشتر از افزایش ریسک بوده و ثروت سهامداران افزایش می‌یابد:

جدول شماره ۱

(ارقام: ریال)

حالت ۱	حالت ۲	حالت ۳	حالت ۴
A ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
A -	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	-	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
L ۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
L -	-	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
R ۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰
C ۶۳,۰۰۰,۰۰۰	۶۳,۰۰۰,۰۰۰	۸۱,۰۰۰,۰۰۰	۸۱,۰۰۰,۰۰۰
O ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
T ۱۳۴,۰۰۰,۰۰۰	۲۵۴,۰۰۰,۰۰۰	۹۸,۰۰۰,۰۰۰	۲۱۸,۰۰۰,۰۰۰
B ۵۳۶,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۱۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۹۲,۰۰۰,۰۰۰	۸۷۲,۰۰۰,۰۰۰
i ۱۸٪	۱۸٪	۱۸٪	۱۸٪
ii ۶٪	۱۰٪	۴٪	۶٪
r ۲۴٪	۲۸٪	۲۲٪	۲۴٪
w ۲,۲۳۳,۳۳۳,۳۳۳	۲,۶۲۸,۵۷۱,۴۲۹	۱,۷۸۱,۸۱۸,۱۸۰	۳,۶۳۳,۳۳۳,۳۳۳

زیادی روبرو نگشته‌اند و ارزش سهام بانک نیز به حداکثر رسیده است.  
این مثال بر سه واقعیت مهم تأکید کرده است، اول اینکه تغییر در یک متغیر منجر به تغییر در متغیرهای دیگر می‌شود و مدیران بانکها باید بر آثار مرکب تصمیمات خود توجه داشته باشند. دوم اینکه چون میزان ریسک بر نرخ بازده مورد انتظار سهامداران تأثیر می‌گذارد، مدیران بانکها باید تأثیر تصمیمات خود را بر میزان ریسک داراییها و بدهیهای بانک مورد توجه قرار دهند و بالاخره این مثال نشان می‌دهد که مدل به حداکثر رساندن ثروت سهامداران می‌تواند راهنمای خوبی برای تصمیم‌گیرهای مدیران بانک باشد.

### انواع تصمیمات مالی بانک:

تصمیمات مهم مالی بانکها را می‌توان به چهار زیر مجموعه تقسیم کرد.

- ۱- تصمیمات مربوط به تفاوت بین نرخ بازده سرمایه‌گذاری بانکها و نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران
- ۲- تصمیمات مربوط به کنترل هزینه‌های عملیاتی

ورق بزنید

در حالت سوم بانک کل داراییهای خود را در  $A_1$  سرمایه‌گذاری کرده ولی سپرده‌هایش از ۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال از  $L_1$  و ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال از  $L_2$  تشکیل می‌شود. در این حالت سود خالص بانک به مبلغ ۳۹۲,۰۰۰ ریال کاهش یافته ولی چون ریسک سهامداران کمتر شده است بازده مورد انتظار آنها نیز به سطح ۲۲٪ کاهش یافته است و ثروت آنها معادل ۱,۷۸۱,۸۱۸ ریال خواهد شد که به مراتب کمتر از حالت دوم است. به عبارت دیگر کاهش در سودآوری به مراتب بیشتر از کاهش در میزان ریسک سهامداران است و از این رو این تصمیمگیری به زیان سهامداران خواهد بود. در حالت چهارم بانک داراییهای خود را به صورت مساوی بین ( $A_1$ ) و  $A_2$  تقسیم کرده و سپرده‌های خود را به مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت کوتاه مدت و ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت بلندمدت دریافت کرده است. در این حالت سود سالانه بانک ۸۷۲,۰۰۰ ریال خواهد شد و ارزش سهام بانک بالغ بر ۲,۶۲۸,۵۷۱ ریال می‌گردد که بیشتر از حالت قبلی است. به عبارت دیگر در این حالت بانک قسمتی از افزایش در ریسک سرمایه‌گذاری خود را با ریسک سپرده‌های بلندمدت جبران می‌کند و ضمن اینکه از سودآوری مطلوبی برخوردار می‌شود، سهامداران نیز با ریسک

## کاربرد مدیریت مالی در بانکها

- ۳- تصمیمات مربوط به نقدینگی بانک
- ۴- تصمیمات مربوط به ساختار مالی بانک

### ۱- تصمیمات مربوط به نرخ سود

تصمیماتی که بانکها در مورد نرخ سود سپرده‌ها و وامها می‌گیرند بر میزان  $R - C$  سال جاری و سالهای آینده تأثیر می‌گذارد. هر چه تفاوت بین این دو نرخ بیشتر باشد سودآوری بانک نیز بیشتر خواهد شد. در این جا لازم است به چند عامل محدود کننده توجه شود. اول اینکه مدیران بانکها اختیار کامل در مورد تعیین نرخ سود سپرده‌های مدت دار و تسهیلات بانک ندارند. این نرخها در کشورهای سرمایه‌داری در بازار پول و سرمایه تعیین می‌شود و تابع شرایط رقابتی است. در کشورهای دیگر تابع تصمیمات بانک مرکزی و سایر مراجع پولی و بانکی کشورهاست. مثلاً در ایران نرخ سود سپرده‌های مدت دار را بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌کند و کلیه بانکها باید از آن پیروی کنند. نرخ تسهیلات بانکی به وسیله شورای عالی پول و اعتبار تعیین و برای اجرا به بانکها ابلاغ می‌شود.

البته این بدان معنا نیست که مدیران بانکها در این زمینه‌ها نمی‌توانند تصمیمی بگیرند که بر سودآوری بانک اثر بگذارد. زیرا بانکها با اتخاذ روشها و سیاستهای مختلف می‌توانند ترکیب سپرده‌ها و وامهای اعطایی و میزان سرمایه‌گذاری‌های خود را طوری تعیین کنند که تفاوت بین نرخ بازده سرمایه و نرخ هزینه سرمایه به حداکثر برسد. به عنوان مثال یک بانک می‌تواند با استفاده از تبلیغات و تکنیکهای بازاریابی میزان سپرده‌های دیداری و کوتاه‌مدت خود را که دارای هزینه کمتری است افزایش داده از این طریق هزینه منابع مالی خود را کاهش دهد. همچنین می‌تواند با افزایش درصد تسهیلات اعطایی به بخش بازرگانی و خدمات نرخ بهره وامهای اعطایی خود را افزایش

دهد و یا با به کارگیری قسمتی از منابع خود در سرمایه‌گذاری در سهام شرکتها پذیرفته شده در بورس، درصد بازده سرمایه‌گذاری را بیفزاید و موجبات افزایش سود بانک را فراهم آورد. برای تعیین اثر این گونه سیاستها بر ارزش سهام بانک باید افزایش در هزینه‌های عملیاتی (هزینه آگهی و تبلیغات، افزایش هزینه ناشی از افزایش تعداد شعب بانکها...) و افزایش در ریسک سهامداران را مدنظر قرار داد.

### ۲- تصمیمات مربوط به کنترل هزینه‌های عملیاتی

تحقیقات در سایر کشورها نشان داده است که یکی از دلایل زیاندهی و ورشکستگی بانکها بالا بودن هزینه‌های عملیاتی و سرشار این بانکها بوده است. با توجه به اینکه قسمت عمده هزینه‌های عملیاتی بانکها ثابت است در دوره‌هایی که حجم فعالیت آنها کاهش می‌یابد با زیان سرسام‌آوری روبرو می‌شوند. تصمیمات مربوط به استفاده از کامپیوتر در عملیات بانکی و افزایش تعداد شعب بانکها در داخل و خارج از کشور و احداث ساختمانها و برجهای آسمان خراش در مناطق مرکزی و تجاری شهرهای بزرگ که هزینه سرسام‌آوری را دربر دارد از جمله این گونه تصمیمات است. مدیران بانکها قبل از چنین تصمیمگیریایی باید آثار افزایش هزینه‌های فوق را در دوران کساد اقتصادی بسنجند و در صورتی که افزایش هزینه‌های عملیاتی منجر به زیاندهی بانک در دوران رکود اقتصادی نشود، چنین تصمیماتی را بگیرند در این رابطه استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر برای این گونه تصمیمگیریها توصیه می‌شود.

### ۳- تصمیمات مربوط به نقدینگی بانک

یکی از تصمیمات مهم مالی در بانکها تصمیمات مربوط به حفظ نقدینگی بانک است. نقدینگی بانک تابعی از ترکیب دارایی و بدهیهای بانک است. هر بانکی باید قسمتی از داراییهای خود را به صورت نقد و شبه نقد نگهداری کند تا بتواند جوابگوی تقاضای سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود باشد. همچنین بالا بودن درصد

سپرده‌های دیداری و سپرده‌های کوتاه‌مدت موجب افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود.

یک روش ساده مدیریت نقدینگی انطباق سررسید سپرده‌ها و تعهدات بانک با عمر داراییها و سرمایه‌گذاری بانک است. به عبارت دیگر اگر  $30\%$  از داراییهای بانک به صورت داراییهای بلندمدت است  $30\%$  از بدهیها و سرمایه نیز باید منابع مالی بلندمدت باشد. چنین روشی به بانک اطمینان می‌دهد که جوابگوی تقاضای سپرده‌گذاران و طلبکاران در موعد مقرر خواهد بود.

البته مدیریت نقدینگی در دنیای امروز پیچیده‌تر از این روش است. مدیریت نقدینگی در دنیای امروز، با توجه به جریان نقدی ورودی مورد انتظار، دسترسی به بازار سرمایه برای تبدیل به نقد کردن داراییهای بلندمدت، میزان ریسک وامهای اعطایی و میزان ریسک در شرایط تورم غیرمنتظره انجام می‌گیرد. به عنوان مثال یک بانک رو به رشد که پیش‌بینی می‌کند میزان سپرده‌های جدیدش در سالهای آینده بیشتر از میزان تعهدات سررسید شده باشد، می‌تواند بدون ترس از خطر نقدینگی اقدام به حداکثر نمودن  $R - C$  در چند سال آینده کند.

### ۴- مدیریت سرمایه

حقوق سهامداران در یک بانک از تفاوت بین ارزش داراییها و ارزش بدهیها تعیین می‌شود. اگر میزان حقوق صاحبان خیلی بالا باشد سود هر سهم و نرخ بازده صاحبان سهام ممکن است در حد پایینی باشد. برعکس اگر حقوق صاحبان سهام در حد بسیار پایینی باشد ریسک مالی و ریسک ورشکستگی ممکن است کل سرمایه صاحبان سهام را به خطر اندازد. بنابراین تصمیمات مربوط به سطح سرمایه صاحبان سهام یکی از تصمیمات مهم بانک است.

از طرف دیگر میزان سرمایه بانک می‌تواند تعیین کننده حجم سپرده‌هایی باشد که قادر به پذیرفتن آن است و لذا در حجم داراییهای بانک اثر بسزایی دارد. میزان سرمایه بانک همچنین نشان‌دهنده پشتوانه سپرده‌گذاران بانک است. بعلاوه چون سرمایه یک منبع گرانقیمت مالی است بالا بودن حجم سرمایه، موجب کاهش نرخ بازده صاحبان سهام می‌شود. لذا مدیران بانکها باید با توجه به دو عامل ریسک و بازده سطح مطلوب حقوق صاحبان را تعیین کنند. ●